

سخنی با دانش آموزان عزیز :

با سلام خدمت دانش آموزان گرامی؛

امیدوارم که حالتان خوب باشد و در کنار خانواده در صحت و سلامتی باشید.با توجه به تعطیلی مدارس به خاطر شیوع ویروس کرونا،ضمن رعایت بهداشت فردی و اجتماعی و عمل به توصیه های پزشکی، مراقب سلامتی خود و اعضای خانواده تان باشید. سعی کنید بیشتر در خانه بمانید . بعد از هرنماز برای سلامتی خود و عزیزانتان و ریشه کن شدن این بیماری به درگاه خداوند دعا کنید. درسنامه پیش رو، به دلیل عدم دسترسی شما عزیزان ساکن در روستا به اینترنت و محتوای فضای مجازی، برای جبران عقب ماندگی بخش پایانی کتاب فارسی وجلوگیری از ایجاد وقفه در امر آموزش ، بصورت مختصر تهیه و تدوین شده است تا پس از چاپ توسط مدیر محترم آموزشگاه در اختیارتان قرار گیرد.از آنجا که تلویزیون رسانه ای فراگیر هست وتقریباً در دسترس همگان قرار دارد حتی الامکان با تماشای برنامه های آموزشی، همراه و پیگیر تدریس دبیران باشید.تقاضا دارم هفته ای دویا سه جلسه را به خواندن کتاب فارسی ونگارش و نوشتن تمرین های آن اختصاص دهید.لطفا ابتدا درس ها و دانش های ادبی و زبانی کتاب رابا دقت بخوانید و بدون استفاده از این جزوه به سوالات مربوطه پاسخ دهید. در صورت لزوم بعد از پاسخگویی، برای یافتن جواب صحیح به این جزوه مراجعه کنید. رو خوانی و روان خوانی درس ها و اشعارکتاب را تکرار و تمرین کنید. نکات املایی را مرور کنید و تلاش کنید واژه های مهم املایی هر درس را در دفتر فارسی تمرین و یادداشت کنید.از نوشتن انشا هم غفلت نکنید.این روزها فرصت خوبی برای اندیشیدن ،یافتن و نوشتن موضوعات جالب و خلاقانه است.ان شاءالله بعد از تعطیلات نوروزی ضمن مرور و بررسی تکالیف درسی، با تدریس کامل و مفصّل بخش های باقیمانده ،درخدمت شما عزیزان خواهم بود.در پناه حق وبه امید دیدار

بهرام توکلی رودی ، دبیرادبیات فارسی – اسفند ماه۱۳۹۸

☑ تهیه و تدوین :

عطـوفتی رودی ، دبیـر ادبیات فارسی– اسفندماه۱۳۹۸

فصل پنجم:اسلام وانقلاب اسلامی

آفرین، جان آفرین پاک را آن که جان بخشید و ایمان، خاک را

➢آفرین بر خداوند جان آفرین پاک ،آن کسی که به انسان (که از خاک آفریده شده) روح وایمان بخشید.(عطار نیشابوری)

فریدالدین عطارنیشابوری(۵۴۰/۶۱۸) شاعر و عارف بزرگ ایرانی قرن ششم و آغاز قرن هفتم است .تذکرة الاولیا، منطق الطیر و... از آثار اوست.

درس ۱۲ صفحهٔ ۱۰۸:خدمات متقابل اسلام و ایران

معنی واژه ها:سلمان منا اهل البیت: سلمان از خاندان من است./پیکر: بدنه/ثمر: نتیجه/حاصل شد: به دست آمد/پیشوا و مقتدا: رهبر/ادبا: جمع ادیب،نویسندگان/اعم از: شامل/به نحو احسن: به شکل نیکو، به بهترین صورت/ملل: جمع ملّت/مظاهر: نشانه‌ها/آیین: راه و روش/تکلم: گفت و گو/شایان: سزاوار/متعلق: وابسته/ذوق: شوق، علاقه، استعداد/استعداد: توانایی

خودارزیابی صفحهٔ ۱۱۰

۱. معنای(سلمان منا اهل البیت) را بیان کنید.سلمان جزو خانواده من است. سلمان از اهل بیت ماست.

۲. چگونه زبان فارسی به گسترش تمدّن اسلامی کمک کرده‌است؟یکی از مظاهر خدماتی است که از راه زبان فارسی به اسلام کرده‌اند؛ ادبا، عرفا و سخنوران ایرانی حقایق قرآنی را با زبان زیبای شعر و نثر فارسی به نحو احسن آرایش داده‌اند و حقایق اسلامی و معانی لطیف قرآنی را در میان حکایاتی شیرین آورده‌اند.

۳. به نظر شما چگونه می‌توان به تمدّن اسلام و ایران بیشتر خدمت کرد؟با انجام دادن به وظایف مذهبی و ملّی، با به کارگری هوش و لیاقت واستعداد، آشنایی با فرهنگ و تمدّن‌های دیگر و هماهنگ کردن آنها با فرهنگ و تمدّن اسلامی و ایرانی، عشق و ایمان

دانش‌های زبانی و ادبی صفحهٔ ۱۱۰

کلمه‌هایی مانند: «من، او، شما، م، تان و ... » که به جای اسم می‌نشینند، **ضمیر** نام دارند. کلمه‌ای که ضمیر به آن برمی‌گردد، **«مرجع ضمیر»** نامیده می‌شود.

ضمیرها دو نوع هستند:۱. ضمیر گسسته: ضمایری هستند که به طور مستقل به کار می‌روند.**۲. ضمیر پیوسته:** همان‌طور که از اسمشان پیداست مستقل نیستند و به واژه‌های دیگر می‌چسبند.ضمیر واژه‌ای است که معمولاً به جای اسم می‌نشیند.ضمیرها یاگسسته(جدا) هستند یاپیوسته (چسبیده به کلمه قبلی)ضمیرهای گسسته: من، تو، او، ما، شما، ایشان/ضمیرهای پیوسته:ـَ م ـَ ـَ ت ـَ ـ ش ـِمان ـِتان ـ ـُ شان

نوشتن صفحهٔ ۱۱۲

۱. معنی واژه‌های زیر را بنویسید.

ذوق← استعداد، شوق/ادیب← سخندان، مفرد ادبا/استعداد← توانایی، قابلیّت

۲. برای هر یک از واژه‌های زیر دو هم‌خانواده بنویسید./اخلاص← مخلص، مخلصانه/قبول←مقبول، قابل /حافظ←محفوظ، حفاظ /تمدّن←متمدّن، مدنیّت

۳. ده کلمه مهمّ املایی از درس پیدا کنید و بنویسید. متقابل / تکلّم / ظهور / صمیمیت / اخلاص /موزه های مختلف / حقایق / معانی لطیف / مظاهر / عرفا

۴. در جمله‌های زیر، ضمیرهای پیوسته و گسسته را مشخص کنید و بنویسید.

- شهید رجایی به همراهانش گفت: من این نظم را از آقای بهشتی یاد گرفته‌ام.

- مصطفی دست هایش را داخل جیبش فرو برد.

- ما همه مشتاقیم تا ترجمه‌تان را بخوانیم.

ضمیرهای پیوسته:ش درهمراهانش-ش در دستهایش ش در جیبش، یم در مشتاقیم، تان در ترجمه‌تان

ضمیرهای گسسته:من- ما

شعر خوانی صفحهٔ ۱۱۳ رستگاری

معنی واژه ها:رهاند: آزاد کند/رستگاری: سعادتمندیُ/بوی: باشی/گیتی: جهانَ/بر کردگار: نزد خدا/سرای: خانه، دنیا/نبی: پیامبر/وصی: جانشین

۱-ترا دانش و دین رهاند دُرست/در رستگاری ببایدت جست

قطعاً علم و دین تو را نجات می‌دهد و تو باید راه رستگاری را جستجو کنی

نکته: واج آرایی ـر ـ و ـ د ـ نقش درست: قید - در رستگاری جستن: درپی رستگاری بودن

۲-چو خواهی که یابی ز هر بد رها/سر اندر نیاری به دام بلا

اگر می‌خواهی که از تمام بدی‌ها نجات یابی و گرفتار بلا و آسیب نشوی،

۳- بوی در دو گیتی ز بد رستگار/نکو کار گردی بَرِ کردگار

در هر دوجهان از بدی‌ها نجات یابی و نزد خدا نیکوکار باشی،

٤-به گفتار پیغمبرت راه جوی/دل از تیرگیها بدین آب شوی

راه سعادت را در کلام پیامبر جستجو کن و دل وجانت را از آلودگی‌ها با کلام پیامبر پاک ساز.دل از تیرگی‌ها شستن: کنایه از رها شدن از غم و رنج و گناه.سه بیت فوق موقوف‌المعانی هستند.به مجموع ابیاتی که معنی آنها با هم کامل می‌شود موقوف‌المعانی می‌گویند.

٥-اگر چشم داری به دیگر سرای/به نزد نبی و وصی گیر جای

اگر انتظار داری که به بهشت بروی به سخنان و گفتار پیامبر و جانشین او عمل کن . پیرو راه آنان باش.چشم داشتن: کنایه از انتظار شفاعت و یاری داشتن- دیگر سرای ترکیب مقلوب: سرای دیگر کنایه از آخرت – جای گرفتن نزد نبی و وصی: کنایه از ایمان داشتن و اعتقاد یافتن و همراه شدن

٦-بر این زادم و هم برین بگذرم/چنان دان که خاک پی حیدرم

من اینگونه دوستدار پیامبر به دنیا آمدم و به همین صورت زندگی‌ام را می‌گذرانم. بدان که من خاک پای علی (ع) هستم.

این ضمیر اشاره به اعتقاد ولایی داشتن و گذشتن بر این هم کنایه از با همین اعتقاد مردن – خاک پی بودن: کنایه از نهایت فروتنی و خدمتگزاری

حکیم ابوالقاسم فردوسی سال۳۲۹ در روستای باژ واقع در منطقهٔ توس خراسان به دنیا آمد. از نجیب زادگان و دهقانان توس بود. دلبستگی‌اش به میراث قومی و فرهنگی ایران کهن باعث ارادت خالصانه او به خاندان پیامبر (ص) شد.وی ۲۵ یا ۳۰ سال برای سرودن شاهنامه رنج کشید و در حالی که نزدیک به هشتاد سال داشت، به سال ۴۱۱ هجری قمری درگذشت و در زادگاه خود به خاک سپرده شد .شاهنامه اثر جاویدان فردوسی می‌باشد.

درس ۱۳ صفحهٔ ۱۱۴: اسوه نیکو

معنی واژه ها: اُسوه:نمونه/رأفت:مهربانی/جمال:زیبایی/دادخواهی:گرفتن حق/عدالت‌خواهی/سیما:چهره/ظِلال:سایه/آل:خانواده/متفکّر: کسی که فکر می‌کند/عطوفت:مهربانی/بانگ:صدا/حدلزوم:اندازهٔضروری/محزون:غمگین/اعتدال:میانه روی/حریم: مرز/عیادت: دیدار/تندخویی: بداخلاقی/گشاده‌رو: خندان/دشنام: ناسزا/مدارا: نرمی و سازش/تجمّل: خودآرایی/جمال: زیبایی/تجاوز: دست‌درازی

معنی ابیات:

۱-ماه فرو ماند از جمال محمّد/سرو نباشد به اعتدال محمّد

ماه در برابر زیبایی محمّد(ص) زیبایی ندارد و درخت سرو با آن تناسب و زیبایی در برابر قامت پیامبر(ص) زیبا و خوش قامت نیست.

۲-آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی/آمده مجموع در ظِلال محمّد

همهٔ پیامبران از آدم و نوح و ابراهیم خلیل و موسی و عیسی در زیر سایهٔ حضرت محمّد(ص) جمع شده‌اند.(مقام و مرتبه پیامبر از همه بالاتر است)

۳-سعدی، اگر عاشقی کنی و جوانی/عشق محمّد بس است و آل محمّد

ای سعدی اگر می‌خواهی عاشق کسی باشی و جوانی شور و نشاط را تجربه کنی عشق به حضرت محمّد(ص) و خاندان او برای تو کافی است.

خودارزیابی صفحه ۱۱۷

۱. رفتار پیامبر(ص) باامام حسن(ع) و امام حسین(ع) در دوران کودکی چگونه بود؟رسول اکرم با فرزندان خود به مهر و عطوفت رفتار می‌کرد. وقتی به سجده می‌رفت حسن(ع) و حسین(ع) برگردن و پشتش می‌نشستند و او چنان درسجده می‌ماند تا به آرامی پایین بیایند و وقتی از سجده بر می‌خاست هر دوتا را در آغوش می‌گرفت و آنان را می‌بوسید.

۲. کدام رفتار پیامبر(ص) با دیگران برای شما جالب‌تر است. چرا؟یکی از رفتارهای خوب پیامبر(ص) اخلاق خوب آن است. اگر اخلاق خوب داشته باشی همه تو را دوست دارند و باعث شایستگی فرد نیز می‌شود.

۳. به نظر شما چرا پیامبر(ص) بد رفتاری با خویش را می‌بخشید اما نسبت به قانون شکنی گذشت نداشت؟زیرا بدرفتاری با خود مسئله‌ای شخصی است و می‌توان از آن گذشت ولی قانون شکنی مسئله‌ای اجتماعی و عمومی است و حقّ دیگران را ضایع می‌کند و قابل گذشت نیست.

۴. خداوند در مورد مهربانی پیامبر(ص) چه می‌فرماید؟به درستی که رسول خدا برای شما اسوه و نمونهٔ نیکویی است.

دانش‌های زبانی و ادبی

بن مضارع - شناسه

به این فعل‌ها توجّه کنید: می‌نویسم، می‌نویسی، می‌نویسد، می‌نویسیم، می‌نویسید، می‌نویسند

به هر یک از این فعل‌ها «ساخت» یا «صیغه» می‌گویند. زمان همهٔ این ساخت‌ها حال یا مضارع است.

اگر «می» را کنار بگذاریم، در هر ساخت دو جز داریم:

الف) جزئی که در همهٔ ساخت‌ها ثابت است یعنی **«بن»** که چون همهٔ فعل‌های مثال ما مضارع هستند، به آن «بن مضارع» می‌گویند.(نویس)

ب) جزء دوم که در هر ساخت تغییر می‌کند و به آن **«شناسه»** می‌گویند.(َم، یَد، یم، یدَند)

روش پیدا کردن بن مضارع: از شنونده می‌خواهیم آن کار (فعل) را انجام دهد(فعل امر). بعد «ب» را از آغاز آن حذف می‌کنیم؛

مثال: می‌نویسد←بنویس←نویس(بن مضارع)

کار گروهی صفحه ۱۱۸

۱. خداوند در قرآن، پیامبر(ص) را«اُسوه» یعنی سرمشق و نمونه معرفی کرده است. چگونه می‌توانیم از رفتار پیامبر(ص) برای زندگی بهتر سرمشق بگیریم؟

ابتدا باید با مطالعهٔ زندگی پیامبر شناخت بیشتری نسبت به شخصیت و خصوصیات اخلاقی ایشان پیدا کنیم و سپس سعی‌کنیم در رفتارهای شخصی و موقعیت‌های خاص اخلاقی شبیه ایشان رفتار کنیم یعنی هرلحظه خود را در معرض قضاوت قرار دهیم و فکر کنیم آیا پیامبر این رفتار ما را می‌پسندد و یا اینکه آیا این رفتار ما به رفتار او نزدیک و شبیه است یا نه

۲. شعر دیگری درباره پیامبر(ص) یا یکی از معصومین(ع)، به کلاس بیاورید و در بارهٔ آن گفت وگو کنید.

نوشتن صفحهٔ ۱۱۸

۱. برای هر یک از کلمه‌های زیر دو هم‌خانواده بنویسید.

حضور← حاضر، محضر/عطوفت←عاطفه، عواطف/حریم← حرمت، محترم

۲. واژهٔ صحیح را انتخاب کنید و در جای خالی بنویسید.

الف) گاهی به آرامی آنان را پایین می‌آورد و از سجده ... .(برمی‌خواست، برمی‌خاست)

ب) اجازه نمی‌داد کسی جز در مقام ... در حضور او از دیگری بد بگوید. (دادخواهی، دادخاهی)

۳. بن مضارع فعل‌های زیر را مشخص کنید.

الف- می‌خوانم← بخوان← خوان ب- می‌رویم← برو← رو ج- می‌پرسد← بپرس← پرس د- می‌شنوند← بشنو← شنو

حکایت چراغ صفحهٔ ۱۱۹

نابینایی در شب، چراغ به دست و سبو بر دوش، بر راهی می‌رفت. یکی او را گفت: «تو که چیزی نمی‌بینی چراغ به چه کارت می‌آید؟»

گفت: «چراغ از بهر کوردلان تاریک اندیش است تا به من تنه نزنند و سبوی مرا نشکنند».(بهارستان جامی)

فردی نابینا شبی در حالیکه چراغی در دست و کوزه‌ای بر دوش داشت، در راهی می‌رفت.یک نفر به او گفت: تو که چیزی را نمی‌توانی ببینی، چراغ، چه سودی دارد؟نابینا گفت: چراغ به خاطر انسان‌های نادانی هست که دقّت نمی‌کنند تا اینکه به من برخورد نکنند و کوزه‌ام را نشکنند.

نورالدّین عبد الرّحمن بن احمد بن محمد معروف به، خاتم‌الشعرا، موسیقی‌دان، ادیب و صوفی نامدار ایرانی ۸۱۷ هجری - بزرگترین استاد سخن بعد از عهد حافظ و به نظر بسیاری از پژوهشگران خاتم شعرای بزرگ پارسی گوی است.

تخلص او در شعر جامی است وی این تخلص را از دوجهت برگزید، نخست به‌خاطر اینکه زادگاهش جام بود و دیگر آنکه رشحات قلمش از جرعهٔ شیخ احمد جام معروف به ژنده پیل سرچشمه می گرفت.

پدر بزرگ جامی، شمس‌الدین محمد دشتی از محلهٔ دشت اصفهان بود و به موجب بیدادگری ترکان و آشوب زمان در سده ۸ قمری به خراسان کوچ کرد و در شهر جام با شهرت دشتی منصب قضاوت یافت و ماندگار شد. و با دختر یک نفر از اعقاب امام محمد شیبانی ازدواج کرد و ثمرهٔ آن کودکی بود به نام احمد و او نیز در همان شهر ازدواج کرد که حاصل ازدواج او پسری به نام عبدالرحمان بود که بعدها با نام جامی شهرت آفاق گشت.

درس ۱۴ صفحهٔ ۱۲۰: امام خمینی(ره)

معنی واژه ها:فروتن: متواضع/ نداشتن غرور/مرجعیت: رهبری/مزدور= اجیر، کسی که برای گرفتن مزد کار انجام می‌دهد/ناگریز= ناچار/اعتصاب: دست از کار کشیدن/محبوب= دوست داشتنی/واژگون= سرنگون، معکوس/میراث= مالی که از مرده به کسی رسد، ماتَرک، مرده‌ریگ/آزادی‌خواه: دوستدار آزادی /یک‌صدا: متّحد/سلام‌الله علیها: سلام خدا بر او باد/کوره‌راه: راه باریک و دور افتاده/سرفراز: سربلند/مزدوران: کسانی که در برابر پول به بیگانگان و دشمنان کمک می کنند/خان: لقب مالک زمین/ناجوان مردانه: غیر اخلاقی و ناپسند/از پا در آمد: نابود شد/دلاور: دلیر/مکتب‌خانه: جایی که کودکان به شیوهٔ سنتی آموزش می‌دیدند/ختم: پایان/حوزهٔ علمیه: مرکز آموزش علوم دینی/تأسیس: به وجود آوردن/خوش بیانی: دلنشینی کلام/جذاب: دوست داشتنی/اعتقاد: باور داشتن چیزی/تأثیر: اثر گذاشتن بر چیزی/علما: دانشمندان/مرجعیّت: رهبری/نهضت: جنبش/ حرکت/ قیام/تظاهرات: راه‌پیمایی/تبعید: دور کردن یا بیرون کردن کسی از شهر و یا کشورش/طرز: شیوه/روش/مرموز: مشکوک/نامعلوم/ پوشیده/تألیف: نوشتن، گردآوری/استعمارگر: کشوری قوی که کشور ضعیف را به بهانه آباد کردن اشغال می کند/برافراشته: بلند کرده/ممنوع: منع شده/فعال: کوشا/استقبال: پیشواز/نظام: سیستم/دستگاه حکومتی/پایه گذاری : به وجود آوردن

خودارزیابی صفحه ۱۲۴

۱. چند ویژگی اخلاقی حضرت امام خمینی (ره) را در دورهٔ نوجوانی و جوانی بیان کنید:مهربانی، سادگی، فروتنی، خوش بیانی، نظم و دقت وسیمای جذاب از ویژگی‌های درخشان ایشان بود.

۲. چرا در دورهٔ انقلاب، همهٔ ایران یک معلم داشت؟ زیرا با وحدت و یکپارچگی می‌توان در کارها موفق شد و در ایران نیز، همه به فرمان امام در کوچه‌ها و خیابان‌ها تظاهرات می کردند و درس انقلاب را به بانگ بلند به گوش جهانیان می‌رساندند آن روزها ملت، یک آموزگار، یک معلم و یک استاد داشت و او کسی جز امام خمینی(ره) نبود.

۳. به نظر شما راز محبوبیت بنیانگذار جمهوری اسلامی چیست؟این که قدرتمند بود و به مال و ثروت اهمیت نمی‌داد و به راهی که انتخاب کرده بود ایمان راسخ داشت.

دانش‌های زبانی و ادبی

بن، شناسه، مصدر

هر فعل صورت‌های مختلفی دارد که از روی آن شخص و شمار و زمان فعل را می‌توان دریافت.

شش ساخت زمان گذشته

مفرد جمع

نوشت نوشتیم

نوشتی نوشتید

نوشت نوشتند

اگر با دقت به شش ساخت زمان گذشته نگاه کنید، متوجّه می‌شوید در همه آنها جزء «نوشت» ثابت است؛ به این جزء، **«بُن فعل»** زمان گذشته می‌گویند.جزئی که به بن فعل اضافه شده است و در شش ساخت متفاوت است، شخص و شمار فعل را نشان می‌دهد. به این جزء **«شناسه»** می‌گویند.

یادآوری: به کلمه‌هایی مانند: نشستن، رفتن، دیدن، خوردن و ... **«مصدر»** می‌گویند. چنانچه حرف «ن» را از آخر این کلمه‌ها حذف کنیم، **بن ماضی** به دست می‌آید.

کار گروهی

۱. امام خمینی(ره)شاگرد و پیرو راه پیامبر(ص)بود. چه خصوصیّاتی از پیامبر در اخلاق و رفتار او دیده می‌شد؟ ساده زیستی، عبادت، ظلم ستیزی، توجّه به محرومان و...

۲. خاطراتی از مبارزات امام خمینی (ره) و دوران انقلاب را در کلاس بازگو کنید. امام با سخنرانی ضدّ کاپیتولاسیون مانع از اجرای این قرارداد ننگین شدند.

۳. درباره این مصراع حافظ(دیو چو بیرون رود فرشته درآید) که در سال ۱۳۵۷ بسیار مشهور بود، گفت وگو کنید. با رفتن شاه و بازگشت امام، پس از مدتها به کشورمان عده‌ای این مصرع حافظ را مصداق آن عنوان کردند و سرودی با همین مضمون ساخته شد.

نوشتن صفحهٔ ۱۲۵

۱. برای هریک از واژه‌های زیر، دو هم خانواده بنویسید.

مظلوم: ظلم،ظالم/ جذّاب:جذب،جاذبه/ قدرت:اقتدار، قادر/ محبوب:حبیب،حب

۲. با حرف‌های درهم ریخته زیر، حداقل چهار کلمه بنویسید.(ت، ی، د، ب، ع، ا)عبادت، تبعید، تعبد، ابتدا، عابد، عیادت

۳. بن ماضی فعل‌های زیر را بنویسید.رسیدند(رسید)گرفتی(گرفت)--گریختید(گریخت)گذشتیم(گذشت).

روان خوانی صفحهٔ ۱۲۶< مرخصی

معنی واژه ها:اعزام: فرستادن/چینه: دیوار گلی/سوءظن: بدگمانی/روضه: خطبه‌ای که در مجلس عزاداری خوانده می‌شود/غوغا: شور و فریاد/هول بودن: عجله داشتن/چریک: مبارز/ژیان: خشمگین/طفره رفتن: کوتاهی در کار/کلون: قفل چوبی/گُردان: واحد نظامی/محو شدن: نابودی

درک و دریافت صفحهٔ ۱۳۱

۱. پیام این داستان چیست؟ دفاع از کشور، ناموس و آرمان‌ها، سن و سال نمی‌شناسد و ما بدانیم که کشور ما اگر امروز تحت اشغال دشمنان نیست این حاصل جانفشانی نوجوانان، جوانان و مردان و زنان ایثارگری است که از مال و جان خود برای آزادی و استقلال میهن، گذشتند.

۲. یک بسیجی نوجوان، چگونه می‌تواند در پاسداری و سازندگی کشور، سهیم باشد؟با درس خواندن، پشتکار، خلاقیت و نوآوری و...

محمدرضا کاتب در سال ۱۳۴۵ در تهران به دنیا آمد و از سنین نوجوانی به داستان نویسی روی آورد. پری در آبگینه، دوشنبه‌های آبی ماه از آثار اوست.

فصل آزاد صفحهٔ ۱۳۳

همه عالم تن است و ایران؟ دل نیست گوینده زین قیاس خجل

تمام جهان مانند بدن و ایران مانند قلب آن است، گوینده از این مقایسه کردن شرمنده نیست. (هفت پیکر نظامی)

درس پانزدهم:در مورد درس آزاد باید یادآور ی کرد که گردآورندگان کتاب فارسی به دانش‌آموزان این امکان را داده‌اند که در تألیف کتاب مشارکت داشته باشند. دانش‌آموزان باید با توجه به آموخته‌های خود و نیازی که احساس می‌کنند(مثلا معرفی مشاهیر و بزرگان منطقه یا معرفی برخی از آداب و رسوم محلی) درس آزاد را طراحی و با خطی خوانا بنویسند و سپس نام خود را به مؤلفین کتاب بیفزایند.

روان خوانی صفحهٔ ۱۳۸: چرا زبان فارسی را دوست دارم؟

معنی واژه‌ها:استوار: پابرجا، محکم/تحسین: آفرین گفتن/خوار: ذلیل/معاصر: هم دوره/مناجات: دعا/محبوب: دوست داشتنی/عارفان: خداشناسان/خدشه: خراش، آسیب، گزند/حکمت آمیز: آمیخته با دانش/معارف: علوم/معبود: خداوند/بالیدن: افتخار کردن/وجد: خوشی فراوان/شالیزار: برنج زار

گر بر کَنَم دل از تو و بردارم از تو مِهر آن مِهر بر که افکنم آن دل کجا برم؟

➢اگر عشق و علاقه‌ام را از تو دریغ کنم به جای تو به چه کسی دل ببندم؟

درک و دریافت:(صفحه ۱۳۹) برای حفظ و نگاهبانی زبان فارسی چه باید کرد؟ به کار نبردن واژه‌ها و اصطلاحات زبان‌های دیگر در گفتگوها، معادل سازی برای واژه‌های دخیل در فارسی، مطالعه و شناخت بیشتر آثار و کتب فارسی، توجه بیشتر به نهادهایی مانند فرهنگستان ادب فارسی، ترجمه آثار معتبر نظم و نثر فارسی به زبان‌های دیگر و شناساندن آنها به جهانیان

۲. به نظر شما چه چیزهایی، زبان فارسی و خطّ فارسی را تهدید می‌کند؟ بی‌توجهی به فرهنگ و زبان و ادبیات گذشته، غفلت از طرح انتقال فرهنگ و زبان فارسی به دیگر کشورها، وارد شدن واژگان زبان‌های دیگر به زبان فارسی

فصل ششم : ادبیات جهان

☑ درس شانزدهم:آدم آهنی و شاپرک

معنی واژه‌ها:

انبوه: پر/ غرّش: فریاد/ موذیانه: آزار دهنده/ مؤدبانه: از روی ادب/ رایحه: نسیم/ نجوا: آوا/ تحسین: آفرین گفتن، تشویق کردن/ باد در گلو انداختن: مغرور شدن

☑ ژیلینسکای نویسنده روس در سال ۱۹۳۲ میلادی به دنیا آمد. او در ویلینوس پایتخت لیتوانی زندگی کرده است. ویتاتو دارای تألیفات بسیاریست که نه تنها در میان مردم لیتوانی بلکه در روسیه و کشورهای دیگر علاقه‌مندان زیادی پیدا کرده است. حشرات کوچک، کرم‌ها و پروانه‌ها قهرمانان بسیاری از داستان‌های وی هستند. ژیلینسکای شعر هم سروده است و داستان‌های فکاهی، رمان و نمایش‌نامه نیز دارد.

«آدم آهنی و شاپرک» برگرفته از کتاب «ملخ شجاع» است که مجموعه چهار داستان به نام‌های «ملخ شجاع»، «دانه برفی که آب نشد»، «کرم کنجکاو» و «آدم آهنی و شاپرک» می باشد.

○نکاتی در خصوص درس آدم آهنی و شاپرک:

✓ آد م آهنی نماد انسانی سنگ د ل و متحجّر است و قالبی بودنش نتیجه ی تقلید کورکورانه و بدون استدلال و بینش اوست. این نوع تقلید آدمی را همچون روبوت ، خشک و ناآگاه بار می آورد و او را از خدمت و یاری رسانی به آدمیان سزاوار کمک، حتّی اگر خود ش هم خواهان دوستی و یاری باشد، محروم می سازد.

✓ شاپرک مظهر و مصداق انسانی پر مهر و محبّت است که قربانی ناآگاهی انسان هایی روبوت صفت می شود. طراحان و مخترعان و برنامه ریزان روبوت نیز سمبل استثمار گران و استعمار گرانی هستند که برای ملت های تحت ستم برنامه می ریزند و آنان را مطیع بی قید و شرط خود می سازند.

☑ داستان نویسان ، با استفاده از تخّیل و آوردن شخصیّت های غیر انسانی، ذهن ما را وامی دارند تا شبیه آن ها را در جامعه و اطراف خود پیدا کنیم. این گونه داستان ها را « **داستان های نمادین یا سمبولیک** » می گویند .آدم آهنی نماد انسان های بی احساس و شاپرک نماد انسان های با عاطفه و مهربان است.

☑خودارزیابی:

۱. چرا آدم آهنی از شاپرک خوشش آمد؟شاپرک با همهٔ تماشاگران فرق داشت، سؤالاتی که می‌کرد در برنامه‌ریزی آدم آهنی نبود، صدایش بسیار شیرین بود، آدم آهنی را تروم عزیز صدا می‌زد.

۲. چرا آدم آهنی پس از مرگ شاپرک به سؤالات، جواب درست نمی‌داد؟چون آدم آهنی ناراحت بود که شاپرک را نجات نداد و به سؤالات شاپرک جواب درستی نداده بود.

۳. آخرین جملهٔ درس، چه پیامی دارد؟یعنی درخت بلوط به شاپرک آسیب رساند شاپرک با این که می‌دانست جانش در خطر است باز هم به درخت بلوط رفت می‌توانست بگردد شاید درخت بلوط دیگری پیدا می‌کرد.

۴. وقتی شاپرک برای بار اول رفت برای آدم آهنی چه اتفاقی افتاد؟وقتی شاپرک رفت آدم آهنی دو سؤال اول با هم اشتباه کرد و به سؤال سوم هم جواب غلطی داد.

☑ نوشتن :

۱. ترکیب‌های وصفی و اضافی را مشخّص کنید.

درخت بلوط (اضافی)، احساس خوب(وصفی)، افراد سرشناس(وصفی)، صدای بلند(وصفی)، مربّای زردآلو(اضافی)، اسم من(اضافی)

۲. برای هر کلمه، یک هم‌خانواده بنویسید.مطمئن(اطمینان)، سؤال(سائل)، قصّه(قصص)، توجّه(متوجه)

۳. در جمله‌های زیر نهاد، مفعول و متمّم را معیّن کنید.

✓شناسنامه ما، عمر حقیقی ما را تعیین نمی‌کند.

شناسنامه ما=نهاد /عمرحقیقی ما= مفعول/تعیین تمی کند= فعل

✓فرصت های خوب و عزیز می گذرند.

فرصت های خوب و عزیز=نهاد/ می گذرند= فعل

✓دانش‌آموزان، شهید رجایی را دوست داشتند.

دانش آموزان= نهاد /شهید رجایی= مفعول/دوست داشتند= فعل

✓آفتاب بر گل‌ها و سبزه‌ها می‌تابد.

آفتاب = نهاد /گل ها و سبزه ها = متمم/ می تابد= فعل

۴. فعل‌های«ایستادند، می‌آید، پرسیدند، گفت» را به فعل آینده تبدیل کنید.

خواهند ایستاد- خواهد آمد- خواهند پرسید- خواهد گفت

☑ درس هفدهم: ما می توانیم

معنی واژه ها :

میل :اراده/ ابدی:همیشگی/ قرین:نزدیک/ انجمن: مجلس/ تسهیل:آسان کردن/ سماجت:پافشاری/ ترحیم:طلب آمرزش برای مرده/ عنایت:لطف و توجه

☑ **خود ارزیابی :**

۱- دانش آموزان چه جمله هایی روی برگه های خود می نوشتند؟کارهایی که توانایی انجام آن را نداشتند را روی برگه های خود نوشته بودند

۲- چرا دونا از دانش آموزان خواسته بود که «نمی توانم »های خود را بنویسند؟زیرا او قصد داشت با دفن کردن نمادین«نمی توانم ها»به دانش آموزان بیاموزد که اراده در اعمال انسان نقشی اساسی دارد و انسان برای انجام هر کاری باید ابتدا باور داشته باشد که می تواند آنها را انجام دهد تا موفق شود.

۳- منظور بازرس از جمله «فهمیدم که این شاگردان هرگز چنین روزی را فراموش نخواهندکرد. » چیست؟چون درس به صورت عملی اجرا شد هیچ گاه از خاطره شاگردان پاک نمی شود.گذشته از آن هرگاه در آینده به واژه نمی توانم برخوردند ناخواسته ماجرای دفن آن را با یاد می آورند و آن را به بهترین شکل انجام می دهند.

☑ **دانش های زبانی و ادبی = ساختمان واژه :**

واژه از نظر ساختمان (اجزای سازنده‌ی آن)، به دو دسته‌ی «ساده» و «غیرساده» تقسیم می‌شود:

۱) ساده: واژه‌ای است که تنها از یک جزء تشکیل شده باشد و قابل تجزیه به واحدهای معنایی کوچک‌تر نباشد؛ مانند:کبوتر، گوسفند، کتاب، میز، معلّم، چراغ، رنگ، روشن و...

۲) غیرساده: واژه‌ای است که از دو یا چند جزء (واحد معنایی) تشکیل شده باشد؛ مانند:

کبوترها(کبوتر + ها)، گوسفندان (گوسفند+ ان)، کتابخانه (کتاب + خانه)، رومیزی (رو + میز + ی)، معلّمی (معلّم + ی)، چهل‌چراغ (چهل + چراغ)، رنگارنگ (رنگ + ا + رنگ)، روشن‌گری (روشن + گر +ی).

♦ **واژه‌های «غیرساده» براساس نوع اجزای سازنده‌ی آن‌ها به سه دسته‌ی زیر، تقسیم می‌شوند:**

➢ **وندی:** واژه‌ای که از یک جزء معنی‌دار (آزاد) و یک یا چند وند (پسوند، پیشوند) تشکیل شود:

گلدان، بی‌کار، همراه، بی‌تابی، درختان، سامانه، روزانه، شاخه‌ای، همدردی، ناهماهنگی، دانشگاهی، نابه‌سامانی، بزرگ‌ترین و...

➢ **مرکّب:** واژه‌ای که تنها از دو یا چند جزء معنی‌دار (آزاد) تشکیل شود:

گلبرگ، گلاب‌پاش، داروخانه، شاهنامه‌خوان، مدادپاک‌کن، خودنویس، بزرگ‌راه، زیرگذر، خودپرداز، پست‌بانک و...

➢ **وندی– مرکّب:** واژه‌ای که از دو یا چند جزء معنی‌دار (آزاد) و یک یا چند وند (پسوند، پیشوند، میانوند) تشکیل شود:

گلبرگ‌ها، نوجوانی، ناجوانمردی، گلخانه‌ای، جست‌وجو، بی‌سروسامانی، خودخواهی، سراسری، روبه‌رو، پاک‌سازی، شیرمردان، کتابخانه‌ها، سربلندی، دانش‌آموزان و...

☑ **نوشتن :**

۱-واژه های ساده و غیرساده را مشخص کنید و در جدول بنویسید.

- ساده :روز، دست، شاگرد ، کاغذ، گوش
- غیرساده :ورقه، خاکی، سخنرانی، نمادین، تخته

۲-ده کلمه مهمّ املایی از پنج درس گذشته انتخاب کنید و بنویسید.

اعلامیه-تسهیلات-رایحه-مراقبت-تحسین-لفظ-تظاهرات-اعتصاب-ظلال-تجمل

۳-برای هر یک از کلمه های زیر، دو هم خانواده بنویسید.

وسط (واسطه و اوسط) / اطاعت (مطیع و طاعت)/ رحمت (رحیم و رحم) / اعلامیّه (علم و معلم)

۴-جدول

☑ **روان‌خوانی : پیر دانا**

معنی واژگان:

جلاّد: ستمگر/ شیروانی: نوعی سقف/ سرک کشیدند: نگاه کردند، گشتند/ رویارویی: مقابله/ انعام: پاداش، عطا و بخشش/ پیش‌کشی: هدیه، ارمغان/ غلّه: گیاهانی مانند گندم، جو و ذرّت/ درو: بریدن گیاهان با داس، برداشت غلات/ نیایش: دعا/ از راه افتادن: گمراه شدن/ از کار افتاده: ناتوان/ خونت به گردن خودت است: خودت مسئول مرگ خودت هستی/ دست‌گرفتن: یاری‌کردن/ از دست رفتن: نابود شدن/ به راه آوردن: هدایت‌کردن/ از عهدهٔ کاری برآمدن: توانایی انجام کاری را داشتن

☑ **درک و دریافت:**

۱. به نظر شما، راز پیروزی‌های پسر جوان، چه بود؟ احترام به پدر و عمل کردن به پندهای او

۲. چگونه رفتار کنیم که مورد احترام دیگران باشیم؟ اگر در حدّ توان‌مان کار کنیم و مستقل باشیم و احترام دیگران را داشته باشیم دیگران نیز به ما احترام می‌گذارند. ➢ قوی سفید، برگردان فتح الله دیده بان

☑ **نیایش :**

۱-خداوندا، به حقّ نیک مردان که احوال بَدَم را نیک گردان

✓ خدایا تو را به حق انسان‌های نیکوکار قسم می‌دهم که حال بد مرا خوب کن.

۲-مکن ما را از این درگاه، محروم چو گنجشکان، مران ما را ازین بوم

✓ ما را از درگاه خودت محروم نکن و مانند گنجشکان ما را از درگاهت دور نکن

۳-زبانی ده که اسرار تو گوید روانی ده که دیدار تو جوید

✓ زبانی به من بده که رازهای تو را بگوید و روحی بده که مشتاق دیدار تو باشد

۴-دلم در آتش غفلت مسوزان به معنی شمع جانم برفروزان

✓ دلم را در غفلت و بی‌خبری رها نکن و با عشق معنی جانم را مانند شمع روشنایی ببخش

۵-کنون گردست گیری، جای آن هست که گر دستم نگیری، رفتم از دست

✓ اکنون به دستگیری و یاری تو نیاز داریم چون اگر تو مرا یاری نکنی از دست رفته‌ام

۶-مکن دورم ز نزدیکان درگاه به راه آور مرا، کافتادم از راه

✓ مرا از نزدیکان درگاهت قرار بده و از نزدیکان درگاهت دور نکن و مرا به راه راست هدایت کن چون گمراه شده‌ام.

۷-تو را خوانم به هر رازی که خوانم تو را دانم به هر چیزی که دانم

✓ من هر رازی را که می‌خوانم، و هر چیزی را که می‌دانم، وجود تو را درک می‌کنم.(تورا در گفته‌ها و دانسته‌هایم می‌بینم و وجودت را درک می‌کنم.)

● **گل و نوروز، خواجوی کرمانی**

کمال‌الدین محمود معروف به خواجوی کرمانی، از شاعران معروف قرن هفتم و هشتم هجری است.کمال‌نامه، گوهرنامه، گل و نوروزاز آثار اوست.

به‌پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی

به‌صد دفتر نشاید گفت حسب‌الحال مشتاقی

خواهم که قلب گرمت ، آماج غم نگردد

باغ دلت الهی، دشت ستم نگردد

اشک ندامت ای جان، از چشم تو نبارد

دنیای آرزویت، مرداب غم نگردد